

حاکمیت علم و شایسته‌سالاری در افق ایران ۱۴۱۴ (مورد مطالعه مردم سالاری و مشارکت مردم)

هادی ترکی^۱ و قاسم علیپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

چکیده


مطابق با قرآن و روایات علم جایگاه رفیعی دارد به گونه‌ای که علم به‌عنوان «سلطان» معرفی شده که می‌تواند حکمرانی کند در این میان حاکمیت علم به قدری مهم است که امروزه تمامی کشورهای دنیا به این مهم ارج گذاشته و در برنامه‌ها، مدیریت‌ها و آینده‌پژوهی از حاکمیت علم بهره برده‌اند که می‌توان از طریق شایسته‌سالاری به این مهم دست یافت. سؤال مقاله این است که حاکمیت علم و شایسته‌سالاری چگونه می‌تواند در افق ۱۴۱۴ به منصف ظهور برسد و این دو متغیر چگونه می‌توانند بهم مرتبط باشند؟ چنین به نظر می‌رسد که در افق ۱۴۱۴ می‌بایست به حاکمیت علم و شایسته‌سالاری اعتقاد در نظر و عمل داشت، به این صورت که با تحقق مردم‌سالاری واقعی و مشارکت حداکثری می‌توان از ظرفیت‌های بالایی که شایسته‌سالاری و حاکمیت علم دارند به آینده و رسیدن به اهداف و برنامه‌ها مدیریت و برنامه‌ریزی کرد. یافته‌ها حاکی از آن است که بدون اتکا به دانش روز و نظریه‌های علمی، حرکت در مسیر پیشرفت و توسعه، عملاً ناممکن یا حداقل ناقص و ناکارآمد خواهد بود و برای تحقق چشم‌انداز ۱۴۱۴، لازم است علم و دانش به مثابه یک فرهنگ در سطوح مختلف جامعه نهادینه شده شود و زیرساخت‌ها هموار شود. مقاله از دو نظریه «عوامل شکل‌دهنده آینده» و «حاکمیت علم و شایسته‌سالاری» بهره برده‌است که بخش نظری، غالب بر بحث روشی است. گردآوری داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

کلید واژه‌ها: حاکمیت علم، شایسته‌سالاری، مردم‌سالاری، مشارکت، افق ۱۴۱۴.

استناد فارسی (شیوهی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوهی APSA)

ترکی، هادی؛ علیپور، قاسم (بهار ۱۴۰۳). «حاکمیت علم و شایسته‌سالاری در افق ایران ۱۴۱۴ (مورد مطالعه مردم سالاری و مشارکت مردم)». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره ۱، پیاپی ۲۵، صص ۶۸-۴۹.

^۱ دکترای روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. ایمیل: haditorki1366@yahoo.com

^۲ دانش‌آموخته دکتری مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. ایمیل: ghnegarpoor@yahoo.com
 کی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندریشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

مطابق با آموزه‌های دینی علم‌آموزی و نشر علم فریضه است و بر مبنای سخنی از امام اول شیعیان علم صاحب سلطنت است به این معنا که صاحبان علم دارای سلطه در میان خلق هستند. در این میان می‌توان به آیه ۱۴۱ سوره نساء اشاره کرد که قاعده‌ای فقهی بنام «نفی سبیل» را توصیف می‌کند. مبتنی بر نگرش عقلانی، واقعیت‌های تاریخی و گفتاری از امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، کفار با قدرت نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قصد سلطه بر مسلمین را داشته و دارند و این درحالی است که دانش و علم جزوی از انواع قدرت است. مثلاً غرب با اکتشافات و انقلاب علمی توانست قدرت صنعتی، اقتصادی، نظامی و در نهایت سیاسی در جهان معاصر باشد که بر همین اساس نیز توانست به یک سلطه و تهاجم به فرهنگ‌های ملی و بومی دست یابد. بر این مبنای، آنچه منشأ سلطه فرهنگی غرب در جهان کنونی است، دانش و علمی است که تولید کرده و به این ترتیب اهل دانش را از اقصای نقاط دنیا به سوی خود کشانده تا قدری از این دانش را در اختیار گرفته تا با این معجون معجزه‌آسا، چالش‌های جوامع و دولت‌های خود را پاسخ گویند. در واقع تمدن غرب با قدرت علمی خود، منافع روزافزونی را بدست آورده است. در برابر این رخداد، ایران با ادعا و آرمان ساخت تمدن نوین اسلامی، نمی‌تواند نسبت به علم‌آموزی، اجتهاد در علوم، تولید علم و البته انتقال علم بی‌توجه باشد و به نظر می‌رسد که این مهم با حاکمیت علم و شایسته‌سالاری عجین شده‌است و ارتباط مستقیمی می‌تواند با حکمرانی برقرار نماید.

جوامع بشری در طول تاریخ همواره با چالش تعیین نظام حکمرانی مناسب و روش‌های تصمیم‌گیری درست روبرو بوده‌اند. آیا باید تصمیمات بر اساس آراء عمومی اتخاذ شوند؟ یا باید گروهی از نخبگان و حاکمان براساس تجربه و شرم خود تصمیم بگیرند؟ تجربه دو قرن اخیر نشان داده که هر دو این روش‌ها اشکالات عمده‌ای دارند. سیستم‌های استبدادی و دیکتاتوری که خواست اکثریت مردم را نادیده می‌گیرند، بیشتر براساس منافع گروه حاکم عمل می‌کنند. اما دموکراسی‌های صوری و محض نیز که صرفاً به آرای لحظه‌ای و گاه احساسی توده مردم متکی باشند، دیر یا زود دچار توهم و ناکارآمدی می‌شوند. در نهایت دموکراسی‌هایی که بر اساس شایسته‌سالاری و حاکمیت علم بنا شده‌اند، چنین به نظر می‌رسد که می‌تواند آینده‌ای شکوفا را رقم زند.

در این میان مسئله این است که حاکمیت علم و شایسته‌سالاری چگونه می‌تواند در افق ۱۴۱۴ به منصف ظهور برسد و این دو متغیر چگونه می‌توانند بهم مرتبط باشند؟ در پاسخ به نظر می‌رسد که در کنار حاکمیت علم، شایسته‌سالاری نیز از اهمیت بسزایی در تحقق چشم‌انداز توسعه برخوردار است. شایسته‌سالاری به معنای قرار گرفتن افراد واجد صلاحیت، دارای تخصص و شایستگی‌های لازم در جایگاه‌های مناسب سازمانی و مدیریتی است. این امر منجر به بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی متخصص، افزایش کارایی و بهره‌وری نظام اداری، رشد و ارتقای عملکرد سازمان‌ها و متعاقباً بهبود فرآیندهای توسعه کشور می‌گردد که این مهم با نوعی حکومت می‌تواند جنبه عملیاتی به خود

گیرد که فرصت‌های برابر را ایجاد کند و این امر با نوعی مردم سالاری رقم خورده‌است. به عبارتی؛ نکته کلیدی در این میان، ضرورت استقرار نظام مردم‌سالار و افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور است. وجود یک نظام دموکراتیک واقعی، احترام به حقوق شهروندی، آزادی بیان و عقیده، وجود احزاب و تشکل‌های سیاسی فعال و رقابت سالم سیاسی از جمله مؤلفه‌های یک نظام مردم‌سالار محسوب می‌شوند. چنین فضایی زمینه‌ساز ظهور و بروز استعدادها، نخبگان و افراد شایسته در عرصه‌های مختلف خواهد بود.

بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که حاکمیت علم و شایسته‌سالاری دو روی یک سکه در مسیر توسعه پایدار محسوب می‌شوند. اما تحقق این دو اصل مهم، خود مستلزم وجود یک نظام مردم‌سالار و مشارکت گسترده مردم در تصمیم‌سازی‌ها و فرآیندهای کشور است. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان امیدوار بود تا شاهد اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مبتنی بر علم، دانش و شایستگی بوده و در نهایت اهداف متعالی چشم‌انداز ۱۴۱۴ محقق گردد. بنابراین، سؤال این است که حاکمیت علم و شایسته‌سالاری چگونه می‌تواند در افق ۱۴۱۴ به منصفه ظهور برسد و این دو متغیر چگونه می‌توانند بهم مرتبط باشند؟ چنین به نظر می‌رسد که در افق ۱۴۱۴ می‌بایست به حاکمیت علم و شایسته‌سالاری اعتقاد در نظر و عمل داشت، به این صورت که با تحقق مردم‌سالاری واقعی و مشارکت حداکثری می‌توان از ظرفیت‌های بالایی که شایسته‌سالاری و حاکمیت علم دارند به آینده و رسیدن به اهداف و برنامه‌ها امیدوار بود. در واقع مقاله از دو نظریه «عوامل شکل دهنده آینده» و «حاکمیت علم و شایسته سالاری» بهره برده‌است که بخش نظری غالب بر بحث روشی است و بنابراین این پژوهش با توجه به موضوع مقاله که آینده‌پژوهی و آینده‌نگری است روش خود را براساس نظریه قرار داده که نوعی آینده‌پژوهی می‌توان به شمار آورد.

۲. پیشینه

در ارتباط با موضوع این پژوهش، مقالات هم‌راستایی موجود است که در ذیل به آنها خواهیم پرداخت، اما هیچ‌کدام از پژوهش‌های داخلی با توجه به موضوع مقاله که مرتبط با افق ۱۴۱۴ می‌باشد، وجود ندارد. از جمله تفاوت‌های این کار پژوهشی با سایر کارها هم در عنوان مقاله است، هم در محتوا و هم در چارچوب نظری و هم ارائه راهکارها است که نوآوری این مقاله را نشان می‌دهد، بنابراین تفاوت و نوآوری این مقاله نسبت به سایر مقاله‌های پژوهشی در این چهار ضلعی که گفته شد، مشخص می‌شود.

کمبجانی و دیگران (۱۳۹۸)، در مقاله «سیمای حکمرانی مطلوب در آینده پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل بخشی آینده» به این مطلب پرداخته که تحول عظیمی در شیوه اداره و راهبری جوامع به وقوع پیوسته که در این زمینه جوامع در جریان گذار به حکمرانی مطلوب قرار داشته که با این وجود،

شکل و قالب دقیق این «حکمرانی مطلوب» شکل و قالب دقیق این پارادایم برای اداره و رهبری هنوز در وضع کاملی نیست که مولفه‌های عمده آن با گذشت زمان شفاف‌تر و مطلوب‌تر است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که بازخوانی آینده‌پژوهانه‌ی حکمرانی مطلوب به‌عنوان یک نظریه مدیریتی - سیاسی و الگوی پارادایمیک از ظرفیت ویژه آن در اداره و راهبری جوامع مدرن و نیز حفظ و ارتقای سطح آزاد، رفاه و بهروزی نسل‌های آینده معاصر و آینده دلالت دارد.

پناهی و نظری زاده (۱۴۰۱) در مقاله «سناریوهای مشارکت در دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در جمهوری اسلامی ایران» تأکید دارند که مشروعیت یکی از ارکان شکل‌دهنده نظام است که قوت و ضعف این مسئله نیز ناشی از نقش آفرینی مردم است که طی آن هرچه میزان مشارکت بالاتر باشد، نشان‌دهنده مقبولیت بالای آن نظام سیاسی خواهد بود. نویسندگان آینده محتمل پیش روی مشارکت را در سه عدم قطعیت کلیدی؛ «وجود یا عدم وجود نشاط سیاسی»، «گشایش و عدم گشایش اقتصادی» و «امنیتی شدن و عدم امنیتی شدن فضای انتخابات» و چهار فضای سناریو با عنوان؛ «ایستاده در غبار»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «به‌سوی افتخار» و «از نفس افتاد» را مورد مذاقه قرار می‌دهند.

نجفی رستاقی و دهقانیان (۱۴۰۰) در مقاله «مسئله شناسی راهبردی در حکمرانی نهاد علم جمهوری اسلامی ایران»، یکی از مهمترین چالش‌های نهاد علم به عنوان مهمترین پیشران توسعه و پیشرفت کشور، فهم سازوکارها و بایسته‌های حکمرانی نهاد علم متناسب با اقتضائات بومی دانسته که شناخت مسائل اصلی این نهاد با رویکرد راهبردی و با تأکید بر چشم‌اندازها و سیاست‌های کلان کشور، مقدمه‌ای برای رفع موانع و طراحی سازوکارهای مطلوب در این زمینه است. نویسندگان نتیجه می‌گیرند که مهمترین مسائل راهبردی مبتنی بر این سیاست‌ها در چهار محور حکمرانی نهاد علم در تعامل با اقتصاد و صنعت، حکمرانی نهاد علم در تعامل با محیط‌های علمی و دانشگاهی، حکمرانی نهاد علم در تعامل با دولت و حاکمیت و حکمرانی نهاد علم در تعامل با فرهنگ، جامعه و رسانه استخراج شده است.

قلی‌پور و عبیری (۱۴۰۱) در مقاله «کاوشی در گستره حکمرانی علم: مروری قلمرویی»، حکمرانی علم را به‌عنوان جهت‌دهی به رفتارها و افعال بازیگران نظام علم از طریق سازوکارهای تبعیت در نظر گرفته که از زوایای مختلف درباره آن پژوهش شده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری مد نظر در این پژوهش بهره گرفتن از دو نظریه «عوامل شکل‌دهنده آینده» و «حاکمیت علم و شایسته سالاری» است که می‌توان یکی از عوامل نظریه اصلی یعنی «حکمرانی خوب» باشد. طبق نظریه «عوامل شکل‌دهنده آینده»، افق یا آینده محصول تاثیر و برهم‌کنش

متقابل و متعامل چهار عنصر یا مولفه: «رویداد»، «رشد»، «تصاویر» و «اقدامات» است که میان تصاویر به علت قابلیت تاثیرگذاری فزاینده بر آینده و سرنوشت بشری از اهمیت ویژه‌ای داراست. در واقع تصاویر یکی از عواملی است که آینده را ترسیم و ممکن است شکل دهند که بر طرح‌واره‌هایی تاکید دارد که افراد از آینده در ذهن خود می‌پروراند و براساس آن طرح‌واره‌ها اقدام به طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی می‌شود. به همین دلیل کمک به افراد در بررسی و تصریح تصاویر آینده براساس ایده، امید، بیم، باور و انتظارات کیفیت تصمیمات منتج به آینده از جمله کارکردها و ماموریت‌های آینده پژوهی به شمار می‌رود. به همین دلیل آینده‌پژوهی می‌تواند منشاء کمکی است که می‌تواند تصاویر خود را از سطح تلاش‌های منفعلانه به سمت پیش‌نگری معطوف به آینده باشد (Dator, 1996).

در واقع این نگرش آینده‌پژوهی در همه کشورها از جمله ایران نیز شکل گرفته است. رویه‌های برنامه‌ریزی در طول تاریخ ایران دارای فراز و فرودهای فراوانی بوده از جمله می‌توان از برنامه‌ریزی تخصیص بودجه برای دوره‌ها کوتاه‌مدت تا تدوین برنامه‌های یک ساله، ۵ ساله و آمایش سرزمین برای افق ۲۰ ساله در این میان نام برد. در این میان تفکر برنامه‌ریزی نیز از دیدگاه سنتی به برنامه‌ریزی استراتژیک و نهایتاً به تفکر استراتژیک ارتقاء پیدا کرد. در برنامه‌ریزی‌های سنتی عمدتاً تکیه بر تحلیل داده‌ها گذشته بود و برای تصویر سازی آینده نیز با تکیه بر وزن گذشته به تداوم روندها و گرایش‌ها بسنده می‌شد، اما امروز تفکر برنامه‌ریزی با فاصله گرفتن از روندگرایی با وزن داده به آینده و کشش آن، بر مطالعات آینده‌پژوهی تکیه کرده و معماری آینده کاملاً متفاوت از گذشته و حال محور تلاش‌های برنامه‌ریزی شده‌است. این رویکرد به برنامه‌ریزی و وزن‌دهی به گذشته، حال و آینده در ترسیم تصویر مطلوب آینده مواجه ساخته‌است (زالی، ۱۳۹۸: ۲۶۷). به عبارتی با ترسیم کردن آینده ذهنیت رهبران و عموم می‌تواند به آن سمت حرکت کند و امید و آرزوها را به جنبه عملیاتی برساند و این امر نوعی امیدبخشی را ایجاد می‌کند که خطر بیم و ناامیدی‌ها می‌تواند کاهش پیدا کند که چنین به نظر می‌رسد با حاکمیت علمی و توجه به شایسته‌سالاری که می‌تواند شایسته‌سالاری را برآمده از حاکمیت علم دانست، توجه کرد که عاقلانه به نظر می‌رسد.

در واقع؛ راه حل واقع‌گرایانه و عقلانی برای حکمرانی و تصمیم‌گیری درست، اتکا بر «حاکمیت علم» است. منظور از حاکمیت علم، استفاده از مشاهدات تجربی، داده‌های عینی، روش‌های علمی معتبر و آخرین یافته‌های پژوهشی در فرآیند تصمیم‌سازی برای رفع مسائل جامعه و دستیابی به توسعه پایدار است (Longino, 2002). در گذشته، تصمیمات مهم بر پایه تجربیات شخصی، عقاید غیرعلمی، سنت‌ها و باورهای رایج اتخاذ می‌شدند. اما ثابت شده این روش می‌تواند به اشتباهات فاحش منجر شود. به عنوان مثال در زمینه پزشکی و بهداشت عمومی، باورهای غلط و خرافات گذشته باعث مرگ میلیون‌ها نفر شده است. تنها با روی آوردن به روش‌های علمی مانند آزمایشگاه، اپیدمیولوژی و تحقیقات بالینی بوده که امروز طب مدرن شکل گرفته است. مثالی دیگر در حوزه

انرژی است. استفاده بی‌رویه و غیرعلمی از سوخت‌های فسیلی نظیر ذغال سنگ و نفت، امروز دنیا را با چالش جدی تغییرات اقلیمی مواجه کرده است (Azapagic et al, 2015).

اصل اساسی علم این است که هر ادعایی باید براساس شواهد تجربی به اثبات برسد. به این ترتیب، علم روش استقرایی و آزمون‌پذیری فرضیه‌ها را اساس کارش قرار می‌دهد. این روش علمی است که می‌تواند واقعیت‌ها را بی‌طرفانه و بر مبنای مشاهدات آشکار کند. بنابراین اتکا به علم و دانش روز در همه حوزه‌ها ضامن اتخاذ تصمیمات آگاهانه و منطقی است (حبیبی، ۱۳۹۸). اما علی‌رغم اهمیت حاکمیت علم، نمی‌توان صرفاً تصمیم‌گیری را به گروهی از کارشناسان و نخبگان سپرد و جامعه را به شکل دیکتاتوری اداره کرد. چنین روشی مغایر یکی از مهم‌ترین اصول نسبی پذیرفته شده یعنی «مردم‌سالاری» است.

این اصل، جدای از مزایای اخلاقی و انسانی‌اش، یک ضرورت سیاسی و اجتماعی نیز محسوب می‌شود. تجربه نشان داده کشورهایی که فاقد نهادهای دموکراتیک بوده‌اند، در نهایت دچار مشکلات عدیده‌ای شده‌اند. حکومت‌های دیکتاتوری و استبدادی بیشتر به دنبال منافع یک گروه حاکم خاص و نه منافع عمومی مردم بوده‌اند. آنها برای حفظ قدرت خود ناچار به سرکوب گسترده و خفقان شده‌اند که پایان آنها نیز یا فروپاشی یا سقوط ناگهانی بوده است (حقیقت‌نژاد، ۱۳۹۷). از این رو، مردم‌سالاری و حاکمیت مردم بر سرنوشت خود علاوه بر مزایای اخلاقی و انسانی، تضمین‌کننده ثبات و امنیت پایدار سیاسی و اجتماعی یک کشور نیز هست. اما آیا حاکمیت علم و مردم‌سالاری همواره در تضاد و تعارضند؟ در نگاه نخست چنین به نظر می‌رسد. زیرا اینکه تصمیم‌ها براساس دانش علمی و نظر کارشناسان اتخاذ شوند، گاه با خواست و آرای عمومی مردم همخوانی ندارد. مثلاً در مورد محیط زیست، سیاست‌های پیشگیرانه و محافظت از منابع طبیعی، گاه با منافع کوتاه‌مدت بخش‌هایی از بخش‌های صنعتی و اقتصادی در تضاد قرار می‌گیرند. این گروه‌ها برای حفظ منافع خود ممکن است در میان بخشی از مردم جوسازی‌هایی کنند تا با عواقب بلندمدت این سیاست‌ها مخالفت شود. مثلاً در حوزه سلامت عمومی، گاه توصیه‌های علمی مانند واکسیناسیون مانند آنچه در مورد کووید-۱۹ اتفاق افتاد، با مقاومت و انکار بخشی از مردم روبرو می‌شود. البته دلایلی چون ترس از عوارض جانبی، بی‌اطلاعی، تبلیغات گمراه‌کننده و نیز بی‌اعتمادی به مسئولان در این امر دخیل است. در حوزه انرژی و محیط زیست نیز همین‌گونه مشاهده می‌شود که هرچه دانش علمی بر خطرات استفاده از انرژی‌های آلاینده تأکید بیشتری می‌کند، صنایع بزرگ و ذینفعان سوخت‌های فسیلی بیشتر در برابر آن مقاومت می‌کنند و گاه با انکار و تردیدافکنی در میان مردم، سعی در متقاعد کردن افکار عمومی به اشتباه بودن این نظرات دارند (Matthews & Caldeira, 2008).

این تضادها واقعی هستند. اما راه حل رفع آنها نه نفی و انکار یکی از این دو اصل مهم، بلکه هماهنگ کردن و تلفیق مناسب آنها است. بنابراین مقاله با بهره‌گیری از دو نظریه «عوامل شکل دهنده آینده» و «حاکمیت علم و شایسته‌سالاری» توجه و تأکید دارد که می‌بایست تدابیری

اندیشیده شود تا هم علم و روش‌های علمی در تصمیم‌گیری‌ها محور باشد و هم مردم به عنوان تصمیم‌گیرندگان نهایی در روند تصمیم‌سازی مشارکت کامل داشته باشند. این هماهنگی هم مردم‌سالاری را تضمین می‌کند و هم حاکمیت علم را در نظر دارد چرا که در غیر این صورت، صرف علم، گرایش به دیکتاتوری علمی و خودکامگی خواهد داشت و صرف دموکراسی نیز منجر به توهم، هرج‌ومرج و تصمیمات غیرعقلانی خواهد شد و چنین به نظر می‌رسد که حاکمیت علم با شایسته‌سالاری می‌تواند مشارکت بالای مردم و مردم‌سالاری واقعی را رقم زند. به همین دلیل در این مقاله از چارچوب نظری آمیخته بهره برده‌ایم که بهتر بتواند این مبحث را روشن سازد و در افق ۱۴۱۴ به آن توجه شود. درواقع؛ مقاله بر چهارگانه «رویداد»، «روند»، «تصاویر» و «اقدامات» توجه دارد اما بیشتر با توجه به موضوع مقاله بر اقدامات تاکید دارد و بنابراین به برخی مفاهیم و کلیدواژگان پرداخته می‌شود و در نهایت به ارائه راهکارها خواهد پرداخت.

۴. چیستی علم و حاکمیت آن

اینکه علم چیست؟ نظرات مختلفی ارائه شده است. علم در لغت به معنای نشان‌دار کردن و علامت گذاشتن است و درک کردن و به حقیقت چیزی رسیدن نیز معنا شده است. در قرآن کریم آمده است: «لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» (انفال/سوره ۸، آیه ۶۰). قرآن علم را بصیرت و بینایی و جهل را کوری و ظلمت می‌داند. «... هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ...» (رعد/سوره ۱۳، آیه ۱۶). علم و دانش در همه ابعاد افتخارآفرین است و منشأ قدرت و پیشرفت‌های مادی می‌شود «ما به داود و سلیمان علم و دانش فراوان بخشیدیم و آنها گفتند: سپاس خداوندی را که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشیده سلیمان وارث داوود شد و گفت: ای مردم! سخن گفتن پرندگان به ما تعلیم داده شده است و از هر چیزی هم به ما عطا گردیده که اینها خود فضیلت آشکاری است (نمل/سوره ۲۷، آیه ۱۶-۱۵). قرآن کریم درک اسرار هستی را ویژه دانشمندان می‌داند و می‌فرماید: «از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماسست و این‌ها نشانه‌هایی برای دانشمندان است (روم/سوره ۳۰، آیه ۲۲). خداوند رتبه کسانی از شما را که ایمان آورده‌اید و کسانی را که دانشمندانند به درجات بالا ارتقا داد و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است. در تفسیر منهج الصادقین آمده است: «این که صاحبان علم نام برده شده‌اند با آنکه از جمله مؤمنان هستند دلالت بر رفعت درجات و شایستگی آنها دارد» (تفسیر منهج الصادقین، ج ۹: ۲۱۰).

البته علم صفتی است که موجب تمایز اشیاء می‌شود و عبارت از ادراک مطلق یا حصول صور اشیاء نزد عقل است و شامل صور یقینی یا وهمی یا شکلی می‌گردد و علامه طباطبایی علم را به حصولی و حضوری تقسیم نموده و معتقد است در علم حصولی، ماهیت نزد عالم معلوم است، در حالی که در علم حضوری وجود نزد عالم معلوم است (المیزان، ج ۶: ۱۷۱). دانشمندی چون سقراط

تنها راه معارف را عمل دانسته و برای آن ارزش نامحدودی قائل شده و حقیقت علم را مدرکات عقلانی پنداشته‌اند و کلیه اعمال نیک را مبتنی بر عمل دانسته‌اند. حصول علم مطلق ممکن است و علم حقیقی عبارت است از علم به مثل و حقایق اشیا و این گروه، مدرکات عقلی را، اصل دانسته و معتقدند همان‌طور که ماده و مادیات پرتوی از عوامل روحانی و معنوی هستند علمی که از راه حواس حاصل می‌شود نیز علم حقیقی نبوده و تنها علم حقیقی مخصوص به مدرکات عقل است که بر اثر اتصال آن با عقل فعال، حقایق عالم را در می‌یابد (حسینی دشتی، حسینی دشتی، محمد، معارف و معاریف، ج ۷، ص ۴۳۵).

البته می‌بایست میان دانش و علم و اینگونه واژه‌ها تفاوت نسبی قائل شد. عدم معنائشناسی دقیق واژگان، همواره مشکلاتی را در زمینه علمی ایجاد می‌کند. دانش نیز از جمله واژگانی است که بسیار در الفاظ به کار می‌رود، اما تعریفی دقیقی از آن وجود ندارد و بعضاً علم و دانش یکی پنداشته می‌شود و یا به جای همدیگر به کار می‌روند؛ لذا باید تفاوتی بین علم و دانش قائل بود. فرهنگ وبستر، «*knowledge*» را یک حقیقت و یا وضعیتی از دانستن بعضی چیزها در ارتباط باهم معنا کرده است، به عبارتی دانستنی که «تداعی مفهوم» به وجود می‌آورد و بیشتر مباحث ماورایی است (فرهنگ وبستر، ۱۳۸۶: ۶۹۱). همچنین در فرهنگ‌نامه آریانپور، «*knowledge*» به دانستن، معرفت و اطلاع ترجمه شده است (آریانپور، ۱۳۸۷: ۱۲۰۳). اما «*science*» در فرهنگ وبستر، حالت علمی یا دانشی که متمایزکننده از جهالت یا سوءتفاهم است و به نوعی سیستماتیک است؛ یعنی دانش سیستماتیکی که قابل مطالعه باشد، مانند فیزیک و با حقایقی که با پدیده‌های طبیعی مرتبط است (فرهنگ وبستر: ۱۱۱۲). می‌توان گفت «دانش»، کلی است و علم یک کلی جزءنگرتر و با دقت بیشتر. در واقع علم به دنبال کشف دقیق بر محور داده‌های اثباتی (البته نه صرفاً به معنای پوزیتیویسمی آن) است که در علوم انسانی کمتر به کار می‌رود. در علوم انسانی شاید بتوان مباحث را مورد بررسی دقیق قرار داد، اما نسبت به علوم فیزیکی و طبیعی دقت پیش‌بینی کمتری دارد. از آنجاکه علوم انسانی با انسان ارتباط دارد و به نوعی به دنبال شناخت انسان نسبت به پدیده‌ها و همچنین فهم انسان از پدیده‌ها است، بنابراین شناخت، فهم انسان و تجربه فردی و اجتماعی انسان حائز اهمیت است (شیرخانی و ترکی، ۱۴۰۰: ۵۲۶).

بنابراین؛ علم و چیستی آن از موضوعات بسیار چالش برانگیز در میان متفکران عصر حاضر است. آلن فرانسیس چالمرز در کتاب چیستی علم خود درباره ماهیت و چیستی روش های علمی بر اساس استقرای، ابطال گرایی، معقول گرایی، نسبی گرایی، نظریه های نظم گرایی و آفاق گرایی بحث نموده است (غازی اصفهانی، ۱۴۰۰: ۱۲۸). به هر حال طبق روایات علم سلطان است و سلطان در جامعه می‌تواند حکمرانی و حاکمیت داشته باشد که در این میان نقش حاکمیت علم در عصر قدیم و جدید هویداست. حاکمیت علم به معنای تسلط و سیطره علم و دانش در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های جامعه است. در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌های مهم

بر مبنای یافته‌های علمی، نظریه‌های معتبر و دانش روز صورت می‌پذیرد. حاکمیت علم مستلزم ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تولید علم، گسترش و ترویج آن، حمایت از پژوهش و نوآوری و همچنین ارتقای جایگاه و منزلت اجتماعی دانشمندان و نخبگان است که می‌تواند از طریق شایسته‌سالاری رقم خورد و این مهم دست‌یافتنی نیست مگر با مشارکت مردم و مردم‌سالاری که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۵. مشارکت، مردم‌سالاری و شایسته‌سالاری

واژه دموکراسی که در زبان فارسی از آن به عنوان مردم‌سالاری تعبیر شده است. از لفظ یونانی دموکراتیا^۱ گرفته شده است، این لفظ خود ترکیبی از دموس^۲ و کراتین^۳ می‌باشد. به این ترتیب دموکراسی از نظر لغوی به معنای حکومت کردن به وسیله مردم و در اصطلاح همان حکومت مردم بر مردم است. ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر متضمن هر چیزی است که بر مبنای حقوق سیاسی شهروند در یک جامعه سیاسی دموکراتیک قابل تصور است. با وجود این، از خود کلمه دموکراسی آگاهانه استفاده نشده است. راجع به ماده ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، که تقریباً همه مقررات متن قبلی را در بطن خود دارد، همین ملاحظه وجود دارد. اگر چه حقوق مشارکت دموکراتیک کاملاً مورد توجه قرار گرفته، اما از کلمه دموکراسی اجتناب شده است؛ هر چند که در برخی موارد به صورت غیر مشهود، تا حدودی به معیارهای دموکراتیک اشاره شده است.

در موارد معدودی که به حقوق مزبور در مواد (۱) ۱۴، ۲۱، ۲۲، میثاق حقوق مدنی و سیاسی پرداخته می‌شود، به پیش شرط‌های یک جامعه دموکراتیک به عنوان معیاری برای ارزیابی و سنجش این موضوع که کدام نوع دخالت از سوی حکومت می‌تواند بر ماهیت حقوق مربوطه تأثیر بگذارد، تعجب آور آن که این معیار در ماده میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد تضمین آزادی بیان، که پارادایم یک حق دموکراتیک را بنیان می‌گذارد ظهور نیافته است. از این حیث ماده (۲ بند ۱۰) عهدنامه اروپایی حقوق بشر از انسجام بیشتری برخوردار است. دلایل ناظر بر فقدان آشکار این منطبق در میثاق حقوق مدنی و سیاسی هر چه که باشد، این مطلب را مشهود می‌نماید که در سال ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد هنوز به یک مفهوم، جامع از حکمرانی دموکراتیک نرسیده است (پروین و نورایی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). در واقع مشروعیت یکی از ارکان شکل دهنده نظام است که قوت و ضعف این مسئله نیز ناشی از نقش آفرینی مردم است (پناهی و نظری زاده، ۱۴۰۱: ۱۴۲).

۱. *Demokratia*

۲. *Demos*

۳. *Kratein*

بنابراین مشارکت مردم نقش اساسی می‌تواند در هر حکومتی داشته باشد که هم راهبری باشد و با این طریق شایسته‌سالاری را رقم زند و حاکمیت علم را هویدا سازد. شایسته‌سالاری به معنی قرار گرفتن افراد شایسته، متخصص و کارآمد در جایگاه‌های مناسب سازمانی و مدیریتی است. این امر موجب بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی، افزایش کارایی و بهره‌وری نظام اداری، افزایش انگیزه در میان نیروهای کارآمد و متعهد و در نهایت ارتقای عملکرد سازمان‌ها و نهادهای کشور می‌گردد. لازمه تحقق شایسته‌سالاری، فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای همگان و ایجاد فضای رقابتی سالم و عادلانه است تا افراد متخصص و واجد شرایط بتوانند مناصب خود را احراز نمایند که می‌تواند حاصلی مانند حاکمیت علم داشته باشد و همانطور که تأکید شد این مهم با شناسایی نخبگان و شایستگان رقم می‌خورد. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که ارتباطی میان حاکمیت علم و شایسته‌سالاری وجود دارد که نقش مردم‌سالاری و مشارکت هویدا است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۶. نقش مردم‌سالاری در تحقق حاکمیت علم

یکی از نکات مهم در خصوص تحقق حاکمیت علم و شایسته‌سالاری، لزوم وجود یک نظام سیاسی مردم‌سالار و مشارکت گسترده آحاد ملت در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای کشور است. نظام مردم‌سالار از طریق احترام به آزادی‌های مدنی، حقوق شهروندی، آزادی احزاب و رسانه‌ها، وجود انتخابات آزاد و رقابت سالم سیاسی، بستر مناسبی را برای شکوفایی استعدادها و ظهور نخبگان و افراد شایسته در عرصه‌های مختلف فراهم می‌آورد (Fukuyama, 2014: 53). در چنین فضایی، مردم به عنوان صاحبان اصلی قدرت و حاکمیت، نقش کلیدی در شناسایی و انتخاب افراد کارآمد و متخصص در عرصه مدیریت کشور ایفا می‌کنند. همچنین احزاب و تشکل‌های سیاسی مبتنی بر آرمان‌ها و ارزش‌های ملی، می‌توانند پایگاه خوبی برای جذب و پرورش نیروهای شایسته باشند. از سوی دیگر، مشارکت مردم در فرآیندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری کشور، به اعتمادسازی و مقبولیت این تصمیمات منجر شده و زمینه‌ساز اجرای موفق آنها خواهد گشت.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مردم‌سالاری واقعی، پیش‌نیاز اساسی برای تحقق حاکمیت علم و استقرار شایسته‌سالاری در کشور محسوب می‌شود. بدون وجود چنین مشارکت مردمی گسترده‌ای، تحقق این دو اصل مهم با موانع جدی مواجه خواهد شد. اما نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، لزوم وجود یک نظام سیاسی مردم‌سالار، توأم با احترام به آزادی‌های مدنی، حقوق شهروندی و مشارکت گسترده مردمی در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور است. چرا که مردم‌سالاری واقعی، بستر لازم برای شکوفایی استعدادها، رشد نخبگان و ظهور افراد کارآمد و شایسته را در عرصه‌های مختلف فراهم می‌آورد. در یک نظام دموکراتیک و

مردم‌سالار، آزادی بیان، آزادی احزاب و رسانه‌ها، رقابت سالم سیاسی و وجود انتخابات آزاد، فضای مناسبی برای برآمدن و پرورش صاحب‌نظران، نخبگان و نیروهای شایسته در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌کند (Besley, 2007: 23).

در چنین شرایطی، مردم به عنوان صاحبان اصلی حاکمیت و قدرت، می‌توانند در شناسایی، انتخاب و حمایت از این افراد نقش کلیدی ایفا نمایند. علاوه بر این، مشارکت گسترده مردم در فرایندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، موجب افزایش اعتماد و مقبولیت این تصمیمات شده و زمینه اجرای موفق آنها را فراهم می‌آورد. چراکه این تصمیمات مبتنی بر نظرات، خواسته‌ها و مشارکت عمومی اتخاذ شده‌اند. در چنین شرایطی امکان استقرار حاکمیت علم و اتکا به نظرات کارشناسی و نیروهای متخصص و نخبه بیشتر فراهم خواهد شد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحقق حاکمیت علم و شایسته‌سالاری، خود در گرو رعایت اصل مردم‌سالاری و وجود یک نظام سیاسی دموکراتیک است که در آن آزادی‌های فردی و آزادی بیان محترم شمرده شده و مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای مهم ملی مشارکت وسیع دارند و این مهم با حاکمیت علم مهم بوده و در افق ۱۴۱۴ می‌بایست به آن توجه کرد و ارتباط وثیقی با آن یافت و از منظر منطقی می‌توان آن را عموم و خصوص من وجه دانست.

۷. ارتباط حاکمیت علم و شایسته‌سالاری در افق ۱۴۱۴

حاکمیت علم به معنای تسلط و هژمونی دانش و معرفت علمی در تمامی ساحات و عرصه‌های حیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی یک کشور است (Bijker, 2009: 33). در واقع منظور از حاکمیت علم این است که تمامی تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات در سطوح مختلف بر پایه‌ی یافته‌های علمی، نظریه‌های معتبر و دانش روز استوار باشند، نه بر مبنای سلیق شخصی، گمانه‌زنی‌ها و تصمیمات خلق الساعه. برای تحقق حاکمیت علم، نیازمند فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم در حوزه‌های مختلف هستیم. از جمله این زیرساخت‌ها می‌توان به تقویت نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور، سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و کاربردی، حمایت مادی و معنوی از دانشمندان، نخبگان و پژوهشگران، ایجاد انگیزه و فضای مناسب برای خلاقیت و نوآوری و اشاعه فرهنگ علم‌دوستی در سطح عموم جامعه اشاره نمود.

به عبارتی؛ حاکمیت علم و شایسته‌سالاری دو مفهوم جداناپذیر از یکدیگر هستند که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. از یک سو، استقرار حاکمیت علم بدون وجود نیروهای انسانی متخصص و شایسته در سطوح مختلف مدیریتی امکان‌پذیر نخواهد بود. از سوی دیگر، شایسته‌سالاری و قرار گرفتن افراد کارآمد در پست‌های مختلف، زمینه‌ساز حاکمیت علم و بهره‌گیری از فناوری‌های روز و اجرای سیاست‌های علم‌محور خواهد بود. بنابراین تلاش برای تحقق این دو اصل کلیدی باید به

صورت همزمان و موازی پیگیری شود. چرا که تحقق یکی بدون دیگری نه تنها بسیار دشوار است بلکه حتی در صورت تحقق نیز نتیجه مطلوب را در پی نخواهد داشت. تنها با تأمین هر دو شرط می‌توان به استقرار یک نظام کارآمد و توسعه یافته که بر دانش و توان بومی متکی است، دست یافت.

در این میان اصل ۳۰ قانون اساسی دولت را موظف کرده و بیان می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». البته پس از انقلاب اسلامی سرمشق نوسازی به سبک غربی به هم خورد و سرمشق دیگری جایگزین نشد و توسعه علمی هم در «عاملیت انسانی» و هم در «ساختارها» مشکل داشت. راه برون رفت از این وضعیت، آن است که نخبگان رسمی با الهام گرفتن از خواست ملی، و با هدف‌گزینی و هدف‌گیری مجدد توسعه علمی به عنوان شرط بقا. به باز تعریف مأموریت و راهبرد توسعه علمی کشور، تحول در برنامه‌ها و وظایف کاری، طراحی مجدد ساختارها و فرایندهای مدیریتی و بهبود روش‌ها عزیمت کنند که لازمه این، رجوع نخبگان رسمی سیاست‌گذار به گفتمان علمی و مدنی است و این نیز مستلزم مبنا قراردادن رویکرد و رهیافت علمی در تصمیم‌گیری، توسعه ظرفیت‌های تصمیم‌سازی و سیاست‌سازی، توسعه محیط تعاملی افقی و مشارکت‌پذیری است.

بهره‌گیری از قابلیت‌های گفتمان علمی از طریق بدنه کارشناسی و نظام‌ها و انجمن‌های علمی، NGOها و متفکران مستقل صورت می‌پذیرد و بهره‌گیری از قابلیت‌های گفتمان مدنی نیز با مراجعه به میثاق‌های علمی و قانونی، اصول و ارزش‌های برخاسته از خواست مشترک عموم ذی نفعان و با مبنا قراردادن خرد همگانی، عقلانیت انتقادی-فرهنگی و نیز کنش‌های ارتباطی امکان‌پذیر است. این لوازم باید در قالب پروژه تحقیقاتی در سطح ملی و در پیکره‌ای علمی، صورت‌بندی و بررسی شود (توفیقی و فراستخواه، ۱۳۸۱: ۱-۷). در واقع چنین به نظر می‌رسد که تحقق حاکمیت علم و مردم‌سالاری منوط به تأکید بر شایسته‌سالاری است که نیازمند آینده‌پژوهی است که مرتبط به حکمرانی مطلوب است که در چهارگانه «رویداد»، «روند»، «تصاویر» و «اقدامات» باید به آن توجه کرد.

بنابراین؛ بازخوانی آینده‌پژوهانه حکمرانی مطلوب به‌عنوان یک ایده‌گفتمانی و الگویی متعالی از ظرفیت ویژه آن در اداره و راهبری سیاستی و مدیریتی دلالت داشته که به نقش‌آفرینی شهروندان به عنوان موجوداتی خوداندیش و خودآگاه در زیست بوم زندگی معنی می‌بخشد و نظامات سالم را ارائه می‌نماید (کمبجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۲). به همین دلیل می‌توان گفت: از مهم‌ترین چالش‌های نهاد علم به‌عنوان مهم‌ترین پشیران توسعه و پیشرفت کشور، فهم سازوکارها و بایسته‌های حکمرانی نهاد علم متناسب با اقتضائات بومی است (نجفی رستاقی و دهقانیان، ۱۴۰۰: ۳۷۰). به همین جهت، این مهم ارتباط مستقیمی می‌تواند با شایسته‌سالاری داشته باشد.

در واقع؛ شایسته‌سالاری از جمله اصول مهمی است که حضور آن در نظام اداری و مدیریتی کشور، می‌تواند نقش بسزایی در تحقق چشم‌انداز ۱۴۱۴ ایفا نماید. با اتخاذ سیاست‌هایی مبنی بر جذب و به‌کارگیری نیروهای کارآمد و متخصص، استفاده از توان علمی و عملی افراد شایسته و همچنین فراهم آوردن محیطی برای رشد و شکوفایی استعدادها، می‌توان انتظار داشت تا چرخه توسعه کشور شتاب بیشتری بگیرد. لازم به ذکر است که استقرار شایسته‌سالاری مستلزم ایجاد بستر و فرهنگ رقابت سالم و فضای عادلانه و شفاف برای همگان است. همچنین وجود نظام منصفانه‌ای برای انتخاب و انتصاب افراد شایسته و برخورد با تخلفات و تبعیض‌های احتمالی از ضروریات تحقق شایسته‌سالاری محسوب می‌شود. معمولاً در اسناد بالادستی از علم بهره می‌برند و این حاکمیت علم است که افق‌ها را مشخص می‌کند. به عبارتی؛ در سند چشم‌انداز، تأکید ویژه‌ای بر لزوم حاکمیت علم و دانش در تمامی ساحات زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شده است. این امر نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه والای علم در تحقق آرمان‌های توسعه کشور است. چرا که بدون اتکا به دانش روز و نظریه‌های علمی، حرکت در مسیر پیشرفت و توسعه، عملاً ناممکن یا حداقل ناقص و ناکارآمد خواهد بود. بنابراین برای تحقق چشم‌انداز ۱۴۱۴، لازم است علم و دانش به مثابه یک فرهنگ در سطوح مختلف جامعه نهادینه شده و مورد توجه ویژه قرار گیرد. زیرساخت‌های لازم همچون آموزش عالی کیفی، توسعه پژوهش‌های کاربردی، حمایت از نخبگان و ایجاد فضای مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادها باید فراهم آید. تنها در این صورت است که می‌توان امیدوار بود با تکیه بر علم و دانش، چالش‌های پیش روی توسعه ملی برطرف شده و اهداف مورد نظر محقق گردد که در ذیل به راهکارهای تحقق حاکمیت علم و شایسته‌سالاری در افق ۱۴۱۴ می‌آید و در چهارگانه «رویداد»، «روند»، «تصاویر» و «اقدامات» که در مقاله به آن توجه شد با توجه به رویکرد آینده‌پژوهانه مقاله که نوعی افق‌سنجی است، لازم است که به راهکارهایی در این عرصه پرداخته شود.

۸. راهکارهای تحقق حاکمیت علم و شایسته‌سالاری در افق ۱۴۱۴

۱. تقویت نظام آموزش عالی و پژوهشی کشور از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر در این بخش، ارتقای کیفیت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و جذب اساتید و پژوهشگران برجسته داخلی و خارجی؛
۲. حمایت همه‌جانبه از پژوهشگران، دانشمندان، مخترعان و نوآوران با اختصاص بودجه‌های پژوهشی کافی، تسهیل فضای کسب و کار برای محققان و شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد انگیزه‌های معنوی؛

۳. ایجاد سازوکارهای قانونی و نهادینه‌سازی شایسته‌سالاری در نظام اداری کشور از طریق اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های استخدامی، برگزاری آزمون‌های رقابتی سراسری برای پذیرش نیرو و ایجاد سامانه‌های نظارتی مناسب؛

۴. ایجاد شفافیت و فضای رقابتی سالم و عادلانه برای همگان در فرایند استخدام، انتصابات و ارتقای شغلی در دستگاه‌های دولتی بر اساس شایستگی‌ها و توانمندی‌ها؛

۵. گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی از جمله آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها، آزادی فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی و افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌ها و فرایندهای ملی از طریق انتخابات آزاد و سالم؛

۶. تقویت نظام انتخاباتی و افزایش نقش احزاب و تشکل‌های سیاسی در شناسایی و جذب نیروهای نخبه، متخصص و کارآمد و معرفی آنها به مردم و گرداندگان امور کشور؛

۷. ترویج فرهنگ علم و علم‌دوستی در جامعه؛

۸. اصلاح و بازنگری در نظام پاداش‌دهی و انگیزشی به‌گونه‌ای که کارکنان شایسته، متخصص و کارآمد از انگیزه و رضایت شغلی بیشتری برخوردار شوند؛

۹. ایجاد سازوکارهای قانونی برای برخورد با هرگونه تبعیض، رانت‌خواری، فساد اداری و انحراف از اصول شایسته‌سالاری در نظام اداری و مدیریتی کشور؛

۱۰. آموزش و ترویج اخلاق حرفه‌ای، صداقت، شفافیت و پاسخگویی در میان مدیران، کارکنان و دست‌اندرکاران نظام اداری جهت تحکیم بیشتر اصول شایسته‌سالاری؛

۱۱. تشویق و حمایت از فعالیت‌های رسانه‌ای، پژوهشی و آموزشی در زمینه ترویج حاکمیت علم و شایسته‌سالاری در سطح جامعه؛

۱۲. آموزش علمی همگانی و ارتقای سواد علمی عامه مردم؛

۱۳. شفافیت کامل در فرآیندهای تصمیم‌گیری علمی؛

۱۴. گفتگوی متقابل و ارتباط دوسویه میان نخبگان و مردم؛

۱۵. افزایش مشارکت مردم در فرآیندهای سیاست‌گذاری؛

۱۶. تلفیق حاکمیت علم و دموکراسی کارشناسانه (یکی از تازه‌ترین مفاهیم در حوزه نظریه دموکراسی، «دموکراسی کارشناسانه» یا اپیستوکراسی است. این مفهوم از یک سو بر نقش تعیین‌کننده کارشناسان متخصص در موضوعات خاص تأکید می‌کند. اما از سوی دیگر، مشارکت مردمی و دموکراسی را نیز حفظ می‌کند. به عبارت دیگر، در این مدل وزن نظرات کارشناسان متخصص در یک زمینه بیش از عموم مردم قرار می‌گیرد اما نظر عمومی نیز لحاظ می‌شود).

۹. نتیجه‌گیری

مقاله با تأکید بر اینکه کلیدواژه‌های؛ حاکمیت علم، شایسته‌سالاری، مردم‌سالاری، مشارکت، افق ۱۴۱۴ باهم ارتباط دارند ابتدای امر به تعریف برخی واژه‌ها با رویکردی آینده‌پژوهانه پرداخت که در برخی جاها نگاه انتقادی دیده می‌شود و البته این نگاه انتقادی بر پایه‌ای آینده‌نگارانه بود که برای رسیدن به اهداف و افق‌ها لازم و ضروری است و این مهم می‌تواند یک رویکرد جدید در پژوهش‌های آینده‌پژوهی باشد. به این معنی که با توجه به عنوان مقاله می‌توان گفت: حاکمیت علم، شایسته‌سالاری، مردم‌سالاری و مشارکت اضلاعی هستند که برای رسیدن به اهداف متعالی می‌بایست به این رویکرد انتقادی توجه کرد. مقاله از روش چارچوب نظری خاصی بهره برد که تلفیقی از دو نظریه نظریه «عوامل شکل دهنده آینده» و «حاکمیت علم و شایسته سالاری» است که نقش نظری بر روش تحقیق موضعی بالاتر را دارد.

در مقاله سعی شد که از چهارگانه «رویداد»، «روند»، «تصاویر» و «اقدامات» که در بحث نظری مورد توجه قرار گرفت بهره ببرد، اما از آنجایی که نوع مقاله آینده‌پژوهی و آینده‌نگری است، سعی شد که از بخش اقدامات بیشتر مورد توجه قرار گیرد، چرا که قانون اساسی وجود دارد، توجه به علم و حاکمیت علم کمتر کسی در دنیا پیدا می‌شود که آن را نپذیرید، و روندها و تصاویر هم بخش اعظم آن دست کنشگر انسانی نیست، مگر با برنامه‌ریزی و مدیریت در آینده که در بخش راهکارها مواردی را یادآوری کرده‌ایم، بنابراین در این چهارگانه بخش نظری بیشتر به اقدامات لازم و پیش‌رو توجه شد که در قالب ۱۶ راهکار مورد مذاقه قرار گرفت. به همین جهت می‌توان گفت: «برای نیل به اهداف بلند چشم‌انداز ۱۴۱۴ و کسب جایگاه نخست علمی و فناوری در منطقه، راهی جز گذار از مسیر حاکمیت علم و شایسته‌سالاری وجود ندارد.

بدین منظور، لازم است زیرساخت‌های لازم برای تولید و گسترش علم، حمایت از پژوهش و نوآوری، تربیت نیروهای متخصص و برقراری نظامی کارآمد مبتنی بر شایستگی فراهم گردد». همچنین به منظور تحقق این امر مهم، خود متکی بر وجود یک نظام سیاسی مردم‌سالار، توأم با احترام به حقوق شهروندی، آزادی بیان و اندیشه، احزاب فعال و مشارکت آگاهانه و گسترده مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای کشور است. در پایان می‌توان گفت برای تحقق چشم‌انداز ۱۴۱۴ و دستیابی به جایگاه نخست علمی و فناوری در منطقه، نیاز به تحول بنیادین در نظام‌های مدیریتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور داریم. در این صورت است که می‌توان امیدوار بود تا «حاکمیت علم» و «شایسته‌سالاری» به‌عنوان دو رکن اساسی توسعه در جامعه ایرانی استقرار یافته و ایران اسلامی در افق ۱۴۱۴ به آرمان‌های متعالی خود دست یابد.

منابع

- قرآن مجید.
قانون اساسی.
- آریان‌پور کاشانی، عباس، (۱۳۸۷)، «فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی»، انتشارات امیر کبیر، چاپ ۳۰.
- پروین، خیرالله و نورایی، مهدی. ۱۳۹۱. تعارض دموکراسی و سکولاریسم، مطالعات حقوق بشر اسلامی پاییز ۱۳۹۱، سال اول - شماره ۱، صص ۱۴۶-۱۲۹.
- پناهی، فائزه؛ نظری‌زاده، فرهاد(۱۴۰۱). «سناریوهای مشارکت در دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران». آینده پژوهی انقلاب اسلامی. ۳(۲)، صص ۱۷۱-۱۴۱.
- توفیقی، جعفر؛ فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۱). لوازم ساختاری توسعه علمی در ایران، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۸، شماره ۳ - شماره پیاپی ۲۵، صص ۳۶-۱.
- حیبی، محسن. (۱۳۹۸). حاکمیت علم و مردم‌سالاری. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۷(۲۴)، ۱۲۹-۱۵۵.
- حسن زاده آملی، حسن، کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله(۱۳۸۸). تفسیر خلاصه منهج الصادقین. ۵ ج. قم ایران: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- حسینی‌دشتی، سیدمصطفی. (۱۳۸۵)، معارف و معاریف: دایره‌المعارف جامع اسلامی(ج۷).
- حقیقت‌نژاد، رضا. (۱۳۹۷). مردم‌سالاری و حقوق بشر در ایران. ناشر: سفیر.
- زالی، نادر(۱۳۹۸). «آینده‌نگاری منطقه‌ای بازتعریف آینده‌پژوهانه از فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای». آینده پژوهی ایران، ۴(۱)، صص ۲۸۸-۲۶۳.
- شیرخانی، علی و ترکی هادی. ۱۴۰۰. نقش شیعه(خواجه نصیرالدین و ملاصدرا) در طبقه بندی علوم سیاسی، کنفرانس بین‌المللی نقش شیعه در گسترش علوم انسانی، انتشارات: امام علی بن ابی طالب(ع)، قم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۸)، المیزان، ناشر:جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی. غازی اصفهانی، مریم. (۱۴۰۰). «تطورات معنای علم از دیدگاه چالمرز و نقد آن (با تکیه بر آراء حمید پارسانیا)». نشریه علمی علم و تمدن در اسلام، ۲(۸)، صص ۱۵۱-۱۲۸.
- فرهنگ‌نامه وبستر.
- قلی پور، حسین؛ عبیری، رضا(۱۴۰۱). «کاوشی در گستره حکمرانی علم: مروری قلمرویی». فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۸(۴)، صص ۹۳-۶۹.
- کمبجانی، علی؛ عبوضی، محمدرحیم؛ بزرگمهری، مجید؛ نظامی پور، قدیر(۱۳۹۸). «سیمای حکمرانی مطلوب در آینده‌پژوهی: از تصویرپردازی تا شکل‌بخشی آینده». آینده‌پژوهی ایران، ۴(۱)، ۲۰۷-۲۳۵.
- نجفی رستاقی، حیدر؛ دهقانیان، حمید(۱۴۰۰). «مسئله شناسی راهبردی در حکمرانی نهاد علم جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین چالش‌های نهاد علم به عنوان مهمترین پیشران توسعه و پیشرفت»، فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال دهم، شماره ۲، ۳۸۲-۳۶۳.

Research Article

The sovereignty of science and meritocracy in the horizon of Iran 1414 (the study of democracy and people's participation)

Hadi Torki¹ and Qasem Alipour²

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

Abstract

According to the Qur'an and traditions, science has a lofty position in such a way that science is introduced as a "sultan" that can rule. and future studies have benefited from the sovereignty of science, which can be achieved through meritocracy. The question of the article is, how can the governance of science and meritocracy come to the fore in the horizon of 1414 and how can these two variables be related? It seems that in the horizon of 1414, one should believe in the sovereignty of science and meritocracy in thought and action, in such a way that with the realization of real democracy and maximum participation, the high capacities of meritocracy and the sovereignty of science can be used for the future and achieve the goals and plans. Managed and planned. The findings indicate that without relying on current knowledge and scientific theories, moving in the direction of progress and development will be practically impossible or at least incomplete and inefficient, and to realize the vision of 1414, it is necessary for science and knowledge as a culture at different levels of society. to be institutionalized and the infrastructure to be smoothed. The article has used two theories "future shaping factors" and "sovereignty of science and meritocracy" that the theoretical part dominates the method discussion. Data collection is through library and internet sources.

Keywords: sovereignty of science, meritocracy, democracy, participation, horizon 1414.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Torki, Hadi; Alipour, Qasem(Spring 2024). "The sovereignty of science and meritocracy in the horizon of Iran 1414 (the study of democracy and people's participation)". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 7, Num. 1, S.No. 25, pp. 49- 68.

¹. PhD in International Relations, Khwarazmi University, Tehran, Iran.

Email: haditorki1366@yahoo.com

². PhD student in Industrial Management, Faculty of Management, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. Email: ghnegarpoor@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- The Holy Quran. (In Persian).*
- Iran constitution. (In Persian).*
- Arianpour Kashani, Abbas, (1387), "*Persian English academic culture*", Amir Kabir Publications, 30th edition. (In Persian).
- Azapagic, A., Pettit, C., Sinclair, P., & Dodds, F. (2015). "*Needs, resources, and sustainability—integrating sustainability into the minerals supply value chain*". *UNU-INRA Annual Report*.
- Besley, Timothy (2007) "*Principled Agents? The Political Economy of Good Government*", Oxford University Press.
- Bijker, Wiebe E., et al. (Eds.) (2009) "*The Paradox of Scientific Authority: The Role of Scientific Advice in Democracies*", MIT Press
- Dator, J. (1996). *Futures Studies as Applied Knowledge* (pp.105-115). In Richard Slaughter (Ed.): *New Thinking for a New Millennium*. Rutledge.
- Fukuyama, Francis (2014) "*Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy*", Farrar, Straus and Giroux.
- gholipour, H., & abiri, R. (2022). *Exploring the Scope of Science Governance: A Scoping Review*. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 28(4), 69-93. doi: 10.22034/irphe.2022.705224 .(In Persian).
- Habibi, Mohsen. (2018). *The rule of science and democracy*. *Political Studies Quarterly*, 7(24), 129-155. (In Persian).
- Hakitnejad, Reza. (2017). *Democracy and human rights in Iran*. Publisher: Ambassador. (In Persian).
- Hassanzadeh Amoli, Hasan, and Kashani, Fethullah bin Shokrallah. 2008. *Summary interpretation of the al-Sadeghin method*. 5 c. Qom, Iran: Bostan Kitab Qom (Islamic Propaganda Office Publications of Qom Seminary). (In Persian).
- hazi Esfahani, M. G. (2021). *Meaning Evolutions of the science from Chalmers' point of view and its critique (Based on the votes of Hamid Parsania)*. *Scientific Journal Science and Civilization in Islam*, 2(8), 128-151. (In Persian).
- Hosseinidashti, Sayyed Mostafa. (1385), *Education and Education: Comprehensive Islamic Encyclopedia* (Vol.7). (In Persian).
- Komijani, A., Eivazi, M., Bozorgmehri, M., & Nezamipoor, G. (2019). *The Profile of Good Governance in Futures Studies: From Imaging to Shaping of the Future*. *Journal of Iran Futures Studies*, 4(1), 207-235. doi: 10.30479/jfs.2019.11361.1099. (In Persian).
- Longino, H. E. (2002). *The fate of knowledge*. Princeton University Press
- Matthews, H. D., & Caldeira, K. (2008). *Stabilizing climate requires near-zero emissions*. *Geophysical research letters*, 35(4).
- Najafi Rostaghi, Haider and Dehghanian, Hamid. 1400. *In the article of strategic problem analysis in the governance of the science institution of the Islamic Republic of Iran, one of the most important challenges of the science institution as the most important drivers of development and*

- progress, Management Quarterly in Islamic University, 10th year, number 2, 382-363. (In Persian).*
- panahi, F., & nazarizadeh, F. (2022). scenarios of participation in the twelfth parliamentary elections in iran. Futures Studies Of The Islamic Revolution, 3(2), 141-171. (In Persian).*
- Parvin, Khairullah and Nurai, Mehdi. 2013. The Conflict of Democracy and Secularism, Islamic Human Rights Studies Fall 2013, Year 1 - Number 1, pp. 129-146. (In Persian).*
- Shirkhani, Ali and Turki Hadi. 1400. The role of Shia (Khwaja Nasir al-Din and Mulla Sadra) in the classification of political sciences, international conference on the role of Shia in the development of human sciences, publications: Imam Ali bin Abi Talib (a.s.), Qom. (In Persian).*
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (1378), Al-Mizan, Publisher: Qom Theological Seminary Society. Islamic Publications Office. (In Persian).*
- Tawfighi, Jafar and Farastkhah, Maqsood. (1381). Structural tools of scientific development in Iran, research and planning quarterly in higher education, volume 8, number 3 - serial number 25. pp. 1-36. (In Persian).*
- Webster's Dictionary. (In Persian).*
- ZALI, N. (2019). Regional Foresight Redefining Regional Planning Process from the View of Futures Studies. Journal of Iran Futures Studies, 4(1), 263-288. doi: 10.30479/jfs.2019.9822.1033. (In Persian).*



پروفیسر شہناز گل شاہین پور
پیشوا گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

برائے
پیشوا گاہ علوم انسانی